

طلاق، پایان نفرت ۱۵ ساله زن از شوهرش

وجود ندارد، ادامه دهم. اکنون فرزندم ۱۴ سال دارد و می‌تواند مراد رک کند.

شوهر این زن که در دادگاه حضور داشت، با بیان این که من به همسرم علاقه دارم و در این سال‌ها سعی کردم همان گونه که او می‌خواهد رفتار کنم، گفت: من از ابتدای دانستم همسرم نسبت به من بی‌علاقه است؛ اما از ۳ سال پیش احساس تنفرش را خیلی راحت بیان می‌کند من در این سال‌ها سعی کردم او را به زندگی کردن با خود علاقه‌مند کنم؛ اما موفق نشدم.

این مرد افزود: اکنون بعد از ۱۵ سال، من هم نمی‌توانم به این زندگی ادامه دهم؛ زیرا از رفتارهای او خسته شده‌ام. من قبل از ازدواج نمی‌دانستم که خانواده همسرم او را مجبور به ازدواج با من کرده‌اند و گرنه، نه زندگی خود را تباه می‌کردم نه زندگی همسرم را. اکنون نیز به این جدایی راضی هستم.

زن در ادامه اظهارات شوهرش عنوان کرد: من نیز خواهان صدور هر چه سریع‌تر رای دادگاه هستم؛ زیرا واقعا زندگی کردن برایم دشوار شده است. مقصر شرایط امروز من، پدر و مادرم هستند که با ناآگاهی خود، زندگی مرا خراب کردند. قاضی بعد از شنیدن اظهارات زوجین، حکم طلاق را صادر کرد.

زنی در دادگاه خانواده گفت: بیش از ۱۵ سال از شوهرم متنفر بوده و همواره در کنارش به زندگی ادامه داده‌ام؛ اما دیگر نمی‌توانم با او زندگی کنم و خواهان جدایی هستم.

به گزارش ایسنا، این زن در دادگاه خانواده درخواست طلاق خود را به قاضی شعبه ارائه کرد و افزود: ۱۵ سال پیش با همسرم ازدواج کردم و اکنون یک فرزند ۱۴ ساله دارم. از همان ابتدا با اجبار پدر و مادرم راضی به این ازدواج شدم؛ زیرا از شوهرم بشدت متنفر بودم و هستم، اما این باور غلط پدر و مادرم که اعتقاد داشتند علاقه بعد از ازدواج به وجود می‌آید، آنها من را مجبور کردند تا ازدواج کنم.

وی مدعی شد: بعد از گذشت ۱۵ سال از زندگی‌مان، ذره‌ای به همسرم علاقه پیدا نکرده‌ام و اگر تاکنون برای طلاق اقدام نکرده‌ام، فقط به این دلیل بود که شاید روزی به او علاقه‌مند شوم؛ اما هرگز این مساله برای من اتفاق نیفتاد.

این زن جوان با ابراز ناراحتی اضافه کرد: من هم در زندگی حق انتخاب داشتم و در این سال‌ها واقعا عذاب کشیدم؛ زیرا با نهایت تنفر از او ۱۵ سال در کنارش به زندگی ادامه دادم. ولی دیگر نمی‌توانم به این زندگی که هیچ‌گونه علاقه‌ای در آن